

علل پذیرش ولایت عهد توسط امام رضا(ع)

دلایل امام برای پذیرفتن ولیعهدی

هنگامی امام رضا(ع) ولیعهدی مامون را پذیرفت که به این حقیقت پی برده بود که در صورت امتناع بهایی را که باید بپردازد تنها جان خودش نمی‌باشد، بلکه علویان و دوستدارانشان همه در معرض خطر واقع می‌شوند. در حالی که اگر بر امام جایز بود که در آن شرایط، جان خویشان را به خطر بیفکند، ولی در مورد دوستداران و شیعیان خود و یا سایر علویان هرگز به خود حق نمی‌داد که جان آنان را نیز به مخاطره دراندازد.

افزون بر این، بر امام لازم بود که جان خویشان و شیعیان و هواخواهان را از گزندها برهاند. زیرا امت اسلامی بسیار به وجود آنان و آگاهی بخشیدنشان نیاز داشت. اینان باید باقی می‌ماندند تا برای مردم چراغ راه و راهبر و مقتدا در حل مشکلات و هجوم شبهه‌ها باشند.

آری، مردم به وجود امام و دستپردگان وی نیاز بسیار داشتند، چه در آن زمان موج فکری و فرهنگی بیگانه‌ای بر همه جا چیره شده بود و با خود ارمغان کفر و الحاد در قالب بحثهای فلسفی و تردید نسبت به مبادی خداشناسی، می‌آورد. بر امام لازم بود که بر جای بماند و مسؤولیت خویش را در نجات امت به انجام برساند. و دیدیم که امام نیز - با وجود کوتاه بودن دوران زندگیش پس از ولیعهدی - چگونه عملاً وارد این کارزار شد.

حال اگر او با رد قاطع و همیشگی ولیعهدی، هم خود و هم پیروانش را به دست نابودی می‌سپرد این فداکاری کوچکترین تاثیری در راه تلاش برای این هدف مهم در بر نمی‌داشت.

علاوه بر این، نیل به مقام ولیعهدی یک اعتراف ضمنی از سوی عباسیان به شمار می‌رفت دایر بر این مطلب که علویان نیز در حکومت سهم شایسته‌ای داشتند.

دیگر از دلایل قبول ولیعهدی از سوی امام آن بود که اهلبیت را مردم در صحنه سیاست حاضر ببیند و به دست فراموشیشان نسپارند، و نیز گمان نکنند که آنان همانگونه که شایع شده بود، فقط علما و فقهایی هستند که در عمل هرگز به کار ملت نمی‌آیند. شاید امام نیز خود به این نکته اشاره می‌کرد هنگامی که «ابن عرفه» از وی پرسید:

– ای فرزند رسول خدا، به چه انگیزه‌ای وارد ماجرای ولیعهد شدی؟

امام پاسخ داد:

به همان انگیزه‌ای که جدم علی(ع) را وادار به ورود در شورا نمود. (۱)

گذشته از همه اینها، امام در ایام ولیعهدی خویش چهره واقعی مامون را به همه شناساند و با افشا ساختن نیت و هدفهای وی در کارهایی که انجام می‌داد، هرگونه شبهه و تردیدی را از نظر مردم برداشت.

آیا امام خود رغبتی به این کار داشت؟

اینها که گفتیم هرگز دلیلی بر میل باطنی امام برای پذیرفتن ولیعهدی نمی‌باشد. بلکه همانگونه که حوادث بعدی اثبات کرد، او می‌دانست که هرگز از دسیسه‌های مامون و دار و دسته‌اش در امان نخواهد بود و گذشته از جانش، مقامش نیز تا مرگ مامون پایدار نخواهد ماند. امام بخوبی درک می‌کرد که مامون به هر وسیله‌ای که شده در مقام نابودی وی – جسمی یا معنوی – برخواید آمد.

تازه اگر هم فرض می‌شد که مامون هیچ نیت‌شومی در دل نداشت. با توجه به سن امام امید زیستنش تا پس از مرگ مامون بسیار ضعیف می‌نمود. پس اینها هیچ کدام برای توجیه پذیرفتن ولیعهدی برای امام کافی نبود.

از همه اینها که بگذریم و فرض را بر این بگذاریم که امام امید به زنده ماندن تا پس از درگذشت مامون را نیز می‌داشت، ولی برخوردش با عوامل ذی نفوذی که خشوند از شیوه حکمرانی وی نبودند، حتمی بود. همچنین توطئه‌های عباسیان و دار و دسته‌شان و بسیج همه نیروها و ناراضیان اهل دنیا بر ضد حکومت امام که اجرای احکام خدا به شیوه

جدش پیامبر(ص) و علی(ع) باید پیاده می‌شد، امام را با همان مشکلات زیانباری روبرو می‌ساختند که برایتان در فصل گذشته شرح دادیم. در آنجا گفتیم که حتی مردم نیز حکومت حق و عدل امام(ع) را در آن شرایط نمی‌توانستند تحمل کنند.

فقط اتخاذ موضع منفی درست بود با توجه به تمام آنچه که گفته شد در می‌یابیم که برای امام(ع) طبیعی بود که اندیشه رسیدن به حکومت را از چنین راهی پر زیان و خطر از سر بدر کند، چه نه تنها هیچ یک از هدفهای وی را به تحقق نمی‌رساند، بلکه بر عکس سبب نابودی علویان و پیروانشان همراه با هدفها و آمالشان نیز می‌گردید.

بنابراین، اقدام مثبت در این جهت یک عمل افتخارآمیز و بی منطق قلمداد می‌شد.

برنامه پیشگیری امام‌اکنون که امام رضا(ع) در پذیرفتن ولیعهدی از خود اختیاری ندارد، و نه می‌تواند این مقام را وسیله رسیدن به هدفهای خویش قرار دهد، چه زیانهای گرانباری بر پیکر امت اسلامی وارد آمده دینشان هم به خطر می‌افتد. . . و از سویی هم امام نمی‌تواند ساکت بنشیند و چهره موافق در برابر اقدامات دولتمردان نشان بدهد. . . پس باید برنامه‌ای بریزد که در جهت خنثی کردن توطئه‌های مامون پیش برود.